



The Optimal Structure of Social Security in the Islamic Economy with an Emphasis on a Multi-Layered System

✉ **Seyed Reza Hosseini**  / Associate Professor of Economics, Research Institute of Hawzah and University
srhoseini@rihu.ac.ir

Nasrollah Ansari / PhD in Islamic Economics, Higher Education Complex for Islamic Humanities

Received: 2024/09/21 - **Accepted:** 2024/10/30

nasransari@yahoo.com

Abstract

The crises and problems of social security have revealed the necessity of reviewing its structure, especially in Islamic societies, including Iran. Weak social security invalidates all claims about the efficiency of an economic system, economic policies and programs, or their implementation strategies and solutions. Islamic economy, which pursues its socio-economic goals through social security, has considered an appropriate structure which, if localized, will solve many problems. Using an analytical method, this article has examined the optimal structure of social security in the Islamic economy and explained it with regard to the general policies of social security in Iran. Based on the principles and goals of social security in Islam, the desirable structure of social security meets the real needs of individuals and families in necessary, sufficient and welfare levels through private provision, public Takaful and state solidarity in the form of five layers of preparation, guarantee, restoration, security and supplementation in a longitudinal and coordinated manner.

Keywords: social security, private provision, public Takaful, state solidarity, multi-layer system.

JEL classification: I13, D6, H0.

ساختار مطلوب تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی با تأکید بر نظام چندلایه

srhoseini@rihu.ac.ir

سیدرضا حسینی  / دانشیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

nasransari@yahoo.com

نصرالله انصاری / دکتری علوم اقتصادی با گرایش اقتصاد اسلامی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

چکیده

بحران‌ها و مشکلات تأمین اجتماعی، ضرورت بازنگری در ساختار آن را، به‌ویژه در جوامع اسلامی از جمله ایران آشکار ساخته است. تأمین اجتماعی ضعیف، بر تمام ادعاها در مورد کارآمدی یک نظام اقتصادی، یا سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و یا راهبردها و راهکارهای اجرایی آنها، خط بطلان می‌کشد. اقتصاد اسلامی که اهداف اقتصادی - اجتماعی خود را از طریق تأمین اجتماعی دنبال می‌کند، ساختار مناسبی برای آن در نظر گرفته است که اگر بومی‌سازی شود، بسیاری از مشکلات را برطرف می‌کند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، ساختار مطلوب تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی با عنایت به سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی در ایران بررسی و تبیین شده است. بر اساس مبنای و در راستای اهداف تأمین اجتماعی در اسلام، ساختاری از تأمین اجتماعی مطلوب است که نیازهای واقعی زندگی افراد و خانواده‌ها را در سطوح ضروری، کفافی و رفاهی از طریق تدارک خصوصی، تکافل عمومی و تضامن دولتی در قالب پنج لایه تمهیدی، تضمینی، ترمیمی، تأمینی و تکمیلی به‌صورت طولی و هماهنگ پوشش دهد.

کلیدواژه‌ها: تأمین اجتماعی، تدارک خصوصی، تکافل عمومی، تضامن دولتی، نظام چندلایه.

طبقه‌بندی JEL: H0, D6, I13

مقدمه

تأمین اجتماعی به معنای تأمین نیازهای زندگی آحاد جامعه در سطح عموم مردم، به حدی مهم است که می توان میزان کارآمدی یک نظام اقتصادی، چگونگی عملکرد ساختارها و نهادهای اقتصادی در یک جامعه و درجه موفقیت سیاست های کلان اقتصادی یک کشور را با استناد به وضعیت تأمین اجتماعی در آن کشور داوری کرد. تأمین اجتماعی ناکارآمد که در نهایت به شکل فقر و نابرابری و مشکلات و آسیب های اجتماعی ناشی از آن دو در جامعه ظاهر می شود، حکایت از وجود نارسایی در عملکرد اقتصاد دارد. این نارسایی می تواند ریشه در نظام اقتصادی داشته باشد؛ یا در ساختارها، نهادهای سیاست ها و برنامه های اقتصادی نهفته باشد؛ یا مدیریت و اجرا دچار نارسایی باشند و یا همه آنها به نحوی از نارسایی رنج ببرند.

نظام های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف از جمله ایران، از مشکلات متعدد ساختاری، فنی و اجرایی رنج می برند، که نتیجه آنها به صورت ورشکستگی صندوق های بازنشستگی و صندوق های بیمه، ناکارآمدی صنعت بیمه، فشار بر بودجه دولت ها، کسری بودجه، افزایش نرخ فقر، افزایش فاصله طبقاتی و گسترش نارضایتی در میان خدمات گیرندگان ظاهر شده است. به منظور فائق آمدن بر مشکلات یادشده، تاکنون اصلاحات پارامتریک و ساختاری متعددی بر تأمین اجتماعی از سوی کشورها اعمال شده، ولی رضایت بخش نبوده است. یکی از آخرین اصلاحات ساختاری، لایه بندی خدمات یا ارائه الگوی تأمین اجتماعی چندلایه است که به عنوان یک راه حل اساسی مورد توجه بسیاری از کشورها از جمله ایران واقع شده است. نظام تأمین اجتماعی چندلایه، ساختاری تکامل یافته از نظام های تأمین اجتماعی است که هریک از راهبردهای بیمه ای، حمایتی و امدادی را در جایگاه خود قرار داده و با توجه به شرایط خاص اقشار مختلف جامعه آنان را پوشش می دهد.

لایه بندی خدمات، بخشی از اصلاح ساختاری در تأمین اجتماعی است که اگر به درستی انجام و عملیاتی شود، مشخص می کند چه کسانی از چه منابعی و به چه میزان حمایت شوند و تا حدودی از سردرگمی و موازی کاری موجود می کاهد، ولی مشکلات اصلی تأمین اجتماعی را به ویژه در قسمت های فراگیری، استحقاق محوری، برقراری توازن، مشارکت مردمی و کفایت منابع مالی برطرف نمی کند. این موارد اقتضا دارد که کل ساختار نظام تأمین اجتماعی، بازنگری و متناسب سازی شود. در تعدیل ساختاری مورد نظر به خصوص در کشورهای اسلامی، استفاده از دیدگاه های اسلام و رهیافت های اسلامی در زمینه تأمین اجتماعی و ترسیم ساختار مطلوب آن، مفید و مؤثر خواهد بود.

در این مقاله، ساختار مطلوب تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی به روش توصیفی بررسی می شود تا زمینه ای باشد برای حرکت به سمت طراحی یک نظام تأمین اجتماعی کارآمد، توانمندساز، عدالت بنیان، کرامت بخش و جامع در ایران و سایر کشورهای اسلامی. در تنظیم مقاله، پس از اشاره به پیشینه علمی تحقیق، مبانی و اهداف تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار گرفته و سپس بر اساس مبانی و در راستای اهداف، سازوکارها و لایه های تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی تبیین می شود، تا نمایی از ساختار مطلوب تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی شکل بگیرد.

پیشینه پژوهش

تأمین اجتماعی از جمله موضوعاتی است که هم در حوزه‌های مطالعاتی اقتصادی متعارف و هم حوزه‌های مطالعاتی اقتصاد اسلامی، ادبیات به نسبت کامل و منسجمی پیرامون آن شکل گرفته است. تحقیقات زیادی از زوایای گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده که نتایج آنها در قالب کتاب، مقاله و گزارش‌های پژوهشی منتشر شده و بسیاری از دستاوردهای آنها به حوزه‌های سیاست‌گذاری جهانی و ملی راه یافته و چه بسا عملیاتی شده است. با وجود همه اینها، هنوز مباحث بر سر اینکه چه ساختاری از تأمین اجتماعی دست کم از منظر کاهش مشکلات موجود می‌تواند مطلوب باشد در جریان است. تأکید بر تأمین اجتماعی چندلایه، از آخرین دستاوردهای علمی در این زمینه محسوب می‌شود که نخست پژوهشگران بانک جهانی و پس از آنها، محققان سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه اروپا هر کدام با رویکرد خاص خود به آن پرداختند. الگوی چندلایه از مباحث روز و مرز دانش در این حوزه مطالعاتی به شمار می‌رود، که هنوز مورد توجه جدی محققان اقتصاد اسلامی قرار نگرفته است. این تحقیق که در قالب مقاله ارائه می‌شود، در پی آن است که الگوی مورد نظر را در چارچوب ساختار مطلوب تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی و با توجه به سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی در ایران که توسط مقام معظم رهبری^۱ در سال ۱۴۰۱ ابلاغ شده، بحث و بررسی کند. لایه‌بندی جدید و مطابق با مبانی و اهداف اقتصاد اسلامی، از نوآوری‌های این پژوهش به شمار می‌رود.

مبانی تأمین اجتماعی در اسلام

تأمین اجتماعی در اسلام - آن گونه که شهید صدر تأکید کرده (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۸۰) - بر حق همگانی در برخورداری از منابع و ثروت‌های طبیعی به اندازه تأمین یک زندگی کرامت‌مندانه مبتنی است. این حق به عنوان مبنای خاص تأمین اجتماعی، مبتنی بر مبانی فلسفی از قبیل معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی است. بر اساس شناخت و حیانی، منابع و امکانات موجود در طبیعت برای بهره‌برداری همه انسان‌هاست: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹). این موضوع، منطبق با هستی‌شناسی قرآنی است که هستی را به خداوند متعالی به عنوان هست مطلق پیوند زده و همه را آفریده و تدبیرشده ذات یگانه او دانسته است: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر: ۶۲). بر اساس هستی‌شناختی توحیدی، انسان جانشین خدا در روی زمین است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و اجازه دارد از منابع و امکانات خدادادی در محدوده مجاز، هم بهره‌برداری شخصی کند: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱) و هم حمایت‌های اجتماعی انجام دهد: «وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور: ۳۳). حمایت‌های اجتماعی اگر برای خدا باشد، از منظر ارزش‌شناسی قرآنی ارزش تلقی می‌شود: «يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۶۵) و «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (انسان: ۹). حکومت اسلامی وظیفه دارد که زمینه استفاده از حق همگانی را برای همه فراهم کند و در ترویج و تعمیق ارزش‌ها مشارکت کرده و آنها را مدیریت و رهبری کند: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا

الرَّكَاءَ وَ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْوَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج: ۴۱). همچنین با استفاده از اموال عمومی به تأمین اجتماعی پردازد: «مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِلَّذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (حشر: ۷). از ویژگی‌های اقتصاد اسلامی این است که حق همگانی در منابع طبیعی به عنوان مبنای تأمین اجتماعی را علاوه بر مبنای فلسفی، بر مبنای ایمانی، اخلاقی و اجتماعی نیز استوار کرده، تا مسیر تحقق آن هموارتر شود. پیوند زدن تأمین اجتماعی به ایمان (بلد: ۱۷-۱۱)، تقوا (ذاریات: ۱۹-۱۵)، تزکیه و پرورش نفس (توبه: ۱۰۳)، برادری ایمانی (حجرات: ۱۰)، همیاری اجتماعی (مائده: ۲) و عدالت اجتماعی (حشر: ۷)، از کاربژه‌های اسلام در تحکیم پایه‌های تأمین اجتماعی است. به تعبیر شهید صدر، اسلام به احکام خود چارچوب ارزشی داده، تا انگیزه اجرای آنها تقویت شود (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۶). پایه‌های ایمانی تأمین اجتماعی را می‌توان در باور به خدا و اینکه او مدبر، مالک و روزی‌دهنده مطلق است و باور به معاد و پاداش اخروی انفاق و نیکوکاری خلاصه کرد (ر.ک: حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۵-۲۹). مبنای اخلاقی تأمین اجتماعی در تقوا، مهربانی، نوع‌دوستی و صلۀ رحم خلاصه می‌شود و مبنای اجتماعی آن، در پیوندهای محدود و گسترده اجتماعی؛ مانند خانواده، همشهری، هم‌وطن، هم‌کیش (امت)، برادری ایمانی (اخوت)، همیاری اجتماعی (تعاون)، مصالح عمومی و عدالت اجتماعی خلاصه می‌گردد.

ساختاری از تأمین اجتماعی، مطلوب اقتصاد اسلامی است که به این مبنای نظر داشته باشد. این نکته را باید افزود که توجه به مبنای اسلامی، شرط لازم برای مطلوب بودن ساختار تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی است، ولی شرط کافی نیست؛ شرط کافی آن است که ساختار مورد نظر در راستای اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام باشد و به گونه‌ای طراحی و عملیاتی شود که آن اهداف را محقق کند.

اهداف تأمین اجتماعی در اسلام

هدف کلی از ایجاد نهاد تأمین اجتماعی در اسلام، اطمینان از برآورده شدن نیازهای زندگی آحاد جامعه در حد متعارف به منظور ایجاد توازن و هم‌سنگی در سطح معیشت است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۸۵-۷۸۶). اطمینان لازم زمانی به وجود می‌آید که ساختار موجود تأمین اجتماعی، برای ناتوانان، زمین‌گیرشده‌ها و ازکارافتادگان نیز درآمدی در حد تأمین سطح معیشت عموم جامعه فراهم کرده باشد. سطح عمومی معیشت، یک پارامتر ثابت و ازپیش تعیین شده نیست، بلکه بسته به وضعیت اقتصادی عموم مردم از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر متغیر و انعطاف‌پذیر است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۹۳-۷۹۴).

با توجه به اینکه تأمین اجتماعی در اسلام، رفع نیازهای زندگی آحاد جامعه را هدف قرار داده، دو موضوع در ارتباط با «نیاز» باید توضیح داده شود: یکی چپستی نیاز از نظر اسلام و تفاوت آن با خواسته و ترجیحات و دیگری سطوح نیازهای زندگی انسان و اینکه تأمین اجتماعی در اسلام، کدام سطح از نیازها را هدف گرفته است. با روشن

شدن مفهوم نیاز در اسلام و تفاوت آن با خواسته و ترجیحات از یک سو و سطح بندی نیازها از جهت پوشش دهی تأمین اجتماعی از سوی دیگر، مسیر تبیین ساختار مطلوب هموارتر می شود.

هدف تأمین اجتماعی؛ رفع نیاز یا خواسته؟

در مباحث مربوط به رفاه اجتماعی، بین سه مفهوم «نیاز»، «خواسته» و «ترجیحات» تمایز وجود دارد. ترجیحات، در زمان انتخاب از میان گزینه های مختلف کالاها و خدمات بروز می کند و ربطی به تأمین اجتماعی ندارد. دو مفهوم دیگر که به تأمین اجتماعی مربوط می شوند، از دو جهت با هم تفاوت دارند: یکی اینکه خواسته عام تر از نیاز است؛ زیرا ممکن است چیزهایی را بخواهیم که واقعاً به آنها نیاز نداشته باشیم؛ مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر؛ دیگر اینکه ممکن است به چیزهایی نیاز داشته باشیم، ولی از روی ناآگاهی یا بی علاقه گی آنها را نخواهیم؛ مانند بعضی از خدمات درمانی. از منظر تأمین اجتماعی، نیاز، مهم تر از خواسته است (Manning, 2012, p. 21).

پرسش مهم آن است که آیا نظام تأمین اجتماعی، فقط به نیازهای اجتماعی می پردازد یا نیازهای فردی را هم شامل می شود؟ نقطه مشترک در مباحث رفاه اجتماعی متعارف آن است که تأمین اجتماعی، با نیازها و مشکلات اجتماعی سروکار دارد. در نظام های متعارف، نیاز فردی حتی اگر برای فرد مهم باشد، تا زمانی که از جهت فراگیری یا ایجاد مشکل، جنبه اجتماعی پیدا نکرده، مورد توجه نظام تأمین اجتماعی نیست (Manning, 2012, p. 22). آیا نظام تأمین اجتماعی در اسلام چنین چیزی را می پذیرد؟ اگر پاسخ منفی است، کدام سنخ از خواسته ها و نیازهای فردی مورد توجه است؟ چون نیازها را به سه قسم نیازهای احساس شده برای خود فرد، نیازهای تعریف شده توسط کارشناسان و متخصصان و نیازهای مقایسه ای تقسیم کرده اند (Manning, 2012, p. 22). این موارد اقتضا دارد که دو مفهوم خواسته و نیاز، با معیارهای اسلامی معرفی شوند.

مرزبندی بین «نیاز» و «خواسته» و مصداق شناسی هر کدام، هم دشوار و هم یک بحث مبنايي است. آنچه را که بر اساس مبانی اسلامی می توان مسلم فرض کرد، این است که نیازهای دروغین اعم از فردی و اجتماعی با هر سه قسمش (کشفی، تعریفی و مقایسه ای) در اسلام جایگاهی ندارند و تنها، نیازهای واقعی اهمیت دارند. نیازهای کاذب نیازهایی هستند که از هیچ واقعیت عینی نشئت نمی گیرند، بلکه ناشی از مجموعه ای از پندارها و خیال های شعارگونه و تبلیغات بی محتواست که گاه برای پیشبرد اهداف خاصی ایجاد و دنبال می شوند. در مقابل، نیازهای واقعی نیازهایی هستند که از یک واقعیت عینی مایه می گیرند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵، ص ۹۳).

چپرا با توجه به دیدگاه کینز که نیازها را به مطلق و نسبی دسته بندی کرده (Keynes, 1927, p. 362)، در تفکیک نیاز از خواسته نوشته است: «این تقسیم (دسته بندی کینز) به طور ضمنی اشاره می کند که نیازهای مطلق از ذات فرد سرچشمه گرفته، لازمه نسل بشری است. ارضای چنین نیازهایی به سبب بقای انسان و راحتی و تکامل آنها ضرورت

دارد» (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۳۰). وی با استناد به سخن گالبرایت که گفته: «نیازهای نسبی برای انسان اختراع شده‌اند» (Galbraith, 1958, p. 251)، نوشته است:

نیازهای نسبی شامل نمادهای فخر و همه کالاهای خدماتی است که به خوشبختی و سعادت فرد نمی‌افزاید. می‌توان گروه اول (نیازهای مطلق) را «نیازها» و گروه دوم (نیازهای نسبی) را «خواسته‌ها» نامید. تمایلی که در ارضای خواسته‌ها به‌طور مصنوعی و غیرطبیعی پدید می‌آید، به دلیل تبلیغات و فشار اجتماعی است که فرد را به سازگاری با دیگران فرا می‌خواند (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۳۰-۳۱).

در میان نیازهای واقعی انسان اعم از فردی و اجتماعی، نیازهای مادی و معنوی هر دو از نظر اسلام اهمیت دارند، اما اهمیت نیازهای معنوی بیشتر از نیازهای مادی است؛ زیرا نیازهای مادی مربوط به جسم انسان می‌شود و نیازهای معنوی مربوط به روح و روان او. از آنجاکه در معارف اسلامی بخش اصلی و ماندگار وجود انسان را روح او تشکیل می‌دهد و جسم باید در خدمت تکامل روح باشد (فتحعلی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷-۱۶۸)، نیازهای روحی که همان نیازهای معنوی است، اهمیت بیشتر دارد.

خواسته، اگر با تکامل انسان - اعم از تکامل جسمی و روحی - در ارتباط باشد، نیاز محسوب می‌شود؛ مانند دعای امیرالمؤمنین^ع که فرمودند: «يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۴۹). تقویت و پرورش اعضا و جوارح اگر در راستای خدمت به پروردگار باشد، نیاز محسوب می‌شود. در مقابل، خواسته‌هایی که در راستای تکامل جسم و روح انسان نباشند و چه‌بسا ضد تکامل عمل کنند، نیاز محسوب نمی‌شوند؛ مانند هواهای نفسانی که انسان را به گمراهی می‌کشاند: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ» (جاثیه: ۲۳). لذا در تفاوت بین نیاز و خواسته نوشته‌اند:

نیاز آن است که ابعاد وجودی انسان، همانند روح و جسم اقتضا می‌کند، اما خواسته آن است که انسان می‌خواهد، هرچند برای ابعاد وجودی او هیچ نفعی نداشته باشد یا حتی ضرر داشته باشد. سیگار کشیدن یک خواسته است، اما نیاز نیست. بنابراین دایره خواسته‌ها وسیع‌تر از حیطه نیازهاست. پاره‌ای از آنها نیاز هم هستند و پاره‌ای دیگر خیر (انصاری و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

در مجموع، نیاز ناشی از ذات انسان است و برای سلامتی و کمال جسمی و روحی او ضرورت دارد، ولی خواسته ممکن است حالت ساختگی و القایی داشته باشد که تحت تأثیر تبلیغات و فشارهای اجتماعی به‌وجود آمده باشد و برای سلامت و کمال انسان ضروری نباشد. از این‌رو نیازهای واقعی انسان حتی نیازهای صرفاً فردی که هیچ جنبه اجتماعی نداشته باشند، با توجه به مبانی تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی که حق همگانی در منابع طبیعی باشد، نمی‌تواند مورد توجه قرار نگیرد. اساساً فلسفه وجودی تأمین اجتماعی در اسلام این است که از هیچ نیازمندی غفلت نشود. لذا امیرالمؤمنین^ع به مالک اشر تأکید کرده: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى وَ كُلُّ قَدٍ اسْتَرْعِيَتْ حَقَّهُ وَ لَا يَشْغَلَنَّ عَنْهُمْ بَطَرٌ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۸-۴۳۹). پس برای دورترین آنها همان سهمی است که برای نزدیک‌ترین آنان است. در هر صورت رعایت حق هریک از آنان از تو خواسته شده، پس فرو رفتن در نعمت تو را از توجه به آنان باز ندارد. با این وجود، نیازهای واقعی انسان سطوح مختلفی دارد، که باید دید در کدام سطح هدف تأمین اجتماعی قرار گرفته است.

تأمین اجتماعی و سطح نیازها

نیازهای زندگی انسان که از آنها تعبیر به نیازهای واقعی شد، در یک سطح قرار ندارند؛ بعضی از آنها ضروری، بعضی کفافی و بعضی رفاهی یا توسعه‌ای هستند. با بررسی اینها مشخص خواهد شد که تأمین اجتماعی در اسلام کدام سطح از نیازها را باید و به چه صورت پوشش دهد.

۱. نیازهای ضروری

قید ضروری در مورد آن دسته از نیازها به کار می‌رود که اگر تأمین نشود، حیات انسان و خانواده او در معرض خطر قرار می‌گیرد و شیرازه زندگی‌اش از هم می‌پاشد. هر انسان در هر چارچوب فرهنگی و محیط اجتماعی که زندگی می‌کند، حداقلی از امکانات مادی را لازم دارد که بتواند علاوه بر حفظ حیات و سلامت جسمی و روحی، از حداقل‌های استاندارد زندگی در آن محیط برخوردار باشد. بعضی از اندیشمندان اهل سنت در مرزبندی نیازهای ضروری، حفظ دین و جان و عقل و نسل و مال را معیار قرار داده‌اند (خادمی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۱-۷۲). و شهید صدر، تعبیر به نیازهای ضروری (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۹۳)، شدید و حیاتی کرده است، به گونه‌ای که بدون تأمین آن نیازها، زندگی دشوار باشد (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۶). بدیهی است که رفع این گونه نیازها جزء اهداف اصلی یک نظام تأمین اجتماعی باشد.

در منابع اسلامی (آیات، روایات و فقه)، کسانی که در تأمین نیازهای ضروری زندگی دچار مشکل هستند، عمدتاً ذیل عناوین «فقرا»، «مساکین»، «ورشکستگان» و «در راه‌ماندگان» دسته‌بندی شده‌اند. فقرا و مساکین در قالب گروه‌های خاص ایتام، بیماران و معلولان، سالمندان، زنان بی‌پرست و محصلان، بیشتر از سایرین مورد توجه قرار گرفته‌اند (محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸۷۶-۸۷۷). مواردی همچون بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت، بیکاری، پیری، در راه‌ماندگی، بی‌سرپرستی، آسیب‌های اجتماعی، حوادث و سوانح، ناتوانی‌های جسمی، ذهنی و روانی، حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست، ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان، زنان سالخورده و خودسرپرست که ذیل ماده ۱ «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» ایران آمده، به مصادیق امروزی عناوین اسلامی در یک جامعه خاص و عوامل و راه‌های تأمین آنها اشاره دارد. ممکن است همه مشمولان این عناوین، در سطح نیاز ضروری قرار نداشته باشند، ولی بیشتر آنان چنین هستند. برای اطمینان بیشتر از سطح نیاز گروه‌های یادشده، دولت می‌تواند از سازوکار آزمون وسیع یا هر سازوکار مناسب دیگری استفاده کند.

نکته درخور توجه آن است که چه کسی نیازها را تشخیص می‌دهد و آنها را سطح‌بندی می‌کند تا نظام تأمین اجتماعی مطابق آن تشخیص، اقدام کند؟ آیا خود فرد تشخیص می‌دهد که نیاز او و افراد تحت تکفلش چیست، یا متخصصان و کارشناسان امور و یا این تشخیص از طریق مقایسه با سطح زندگی دیگران حاصل می‌شود؟ پاسخ را باید در هر سه گزینه و ترکیبی از آنها جست‌وجو کرد. فرد می‌تواند تشخیص دهد که نیازهای ضروری او و افراد تحت سرپرستی‌اش چیست و چه مقدار از آنها تأمین نشده است. متخصصان و کارشناسان از طریق کارهای علمی، سیاست‌گذاری و فرهنگ‌سازی، به

افراد در جهت تشخیص نیازهای واقعی و سطح‌بندی آنها کمک می‌کنند و زندگی دیگران هم می‌تواند به این تشخیص یاری رساند مشروط بر آنکه دیگران، اولاً غالب افراد جامعه را تشکیل دهند تا بتوان سطح زندگی آنان را سطح زندگی عموم جامعه نامید و ثانیاً مصرف آنها با فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه سازگاری داشته باشد.

۲. نیازهای کفافی

در مورد نیازهایی که فراتر از حد ضروری است و یک زندگی متعارف و مطابق سطح عموم جامعه را برای انسان فراهم می‌کند، می‌توان تعبیر «نیازهای کفافی» را به کار گرفت. این تعبیر در روایات نیز وجود دارد و بابتی در کتاب *اصول کافی* به همین عنوان اختصاص یافته که روایات مربوطه ذیل آن گردآوری شده است؛ از جمله پیامبر اکرم علیه السلام فرموده‌اند: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۰)؛ خوشا به حال کسی که مسلمان شود و زندگی کفافی داشته باشد. همچنین از دعا‌های آن حضرت است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَ الْكَفَافَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۰)؛ خداوند! به محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او، به دوستان محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او عفاف و کفاف عطا کن.

در تعیین حد کفاف، آنچه که از روایات فهمیده می‌شود و در سخن حضرت علی علیه السلام به گونه‌ای تصریح شده، ارتباط «حد کفاف» با «نیاز» است؛ زیرا امام علیه السلام بعد از آنکه فرموده: «وَ لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۵)؛ و بیشتر از اندازه کفاف نخواهید؛ به دنبالش افزوده: «وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۵)؛ و در پی افزون‌تر از مقدار لازم نباشید؛ یعنی حد کفاف همان مقدار لازم است. با توجه به اینکه مقدار لازم را نیاز انسان تعیین می‌کند و این نیاز باید فراتر از حد ضروری باشد، وگرنه حضرت به تعیین کف می‌پرداخت نه سقف، می‌توان نتیجه گرفت که حد کفاف، برابر با نیاز متعارف یک خانواده در جامعه اسلامی است. به همین جهت، علامه مجلسی نوشته است: «کفاف یعنی اینکه درآمد انسان به مقداری باشد که نیازهای او را تأمین کند تا مجبور نباشد از دیگران استمداد بطلبد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹ ص ۵۸). برادران حکیمی با استفاده از تعبیر «غنا کفافی»، آن را ثروتی خوانده‌اند که از راه‌های مشروع حاصل می‌شود و صاحب آن از سطح زندگی قابل قبول برخوردار است؛ می‌خورد و می‌خوراند، همسر اختیار می‌کند، وجوه شرعی می‌پردازد، حج می‌رود و انفاق می‌کند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۵ ص ۷۰). از نظر آنان، این همان غنای پسندیده شرعی است که شخص را به کسب آن ترغیب کرده‌اند و همان است که به انسان در راه تقوا و اعمال صالح و طلب ثواب‌های جاودان اخروی کمک می‌کند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۵ ص ۷۰).

تأمین اجتماعی در اسلام، این سطح از نیازها را نیز پوشش می‌دهد. یک نمونه روشن آن در مقدار اعطای زکات به فقراست، که طبق روایات، باید در حدی که بی‌نیاز شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۴۸) و یا سطح زندگی‌شان به سطح زندگی عموم جامعه برسند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰)، پرداخت شود. به همین دلیل، شهید صدر غنای مورد نظر اسلام را، حد فاصل بین جواز و منع اعطای زکات دانسته است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۸۸).

گروه‌های نیازمندی که نیازهای ضروری‌شان برطرف شده و از فقر مطلق عبور کرده، ولی هنوز به حد کفاف نرسیده‌اند و دچار فقر نسبی هستند، در این دسته قرار می‌گیرند. فقرا و مساکین (به شمول ایتام، زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، بیماران و معلولان و در راه‌ماندگان)، سالمندان، محصلان، جانبازان، ورشکستگان و آسیب‌دیدگان حوادث و سوانح، غالب کسانی را که در تأمین نیازهای کفافی دچار مشکل هستند، تشکیل می‌دهند. دولت باید با استفاده از الگوریتم‌های اطلاعاتی، این گروه‌ها را شناسایی و نیازهای آنها را سطح‌بندی کند.

۳. نیازهای رفاهی و توسعه‌ای

نیازهای فراتر از حد کفاف تا مرز اسراف، نیازهای رفاهی و توسعه‌ای است که افراد و خانواده‌ها می‌توانند بر اساس توانایی مالی خود و متناسب با وضعیت اقتصادی جامعه، با افزایش کمی و بهبود کیفی امکانات و وسایل زندگی از رفاه بیشتر برخوردار شوند و زندگی خود را توسعه دهند. مشروعیت این موضوع، از آیات و روایات قابل استنباط است. در قرآن، بر زینت و آراستگی ظاهری به‌عنوان یکی از مظاهر رفاه تأکید شده است، مشروط بر آنکه به محدوده اسراف نرسد: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱)؛ ای فرزندان آدم، در هنگام عبادت لباس آراسته خود را بپوشید و نیز بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید. در آیه بعدی کسانی را که آراستن و بهره‌مندی را بر خود حرام کرده‌اند، مورد نکوهش قرار می‌دهد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف: ۳۲)؛ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟

در میان روایات نیز نمونه‌هایی وجود دارند که دلالت بر مطلوبیت دینی رفاه و توسعه زندگی می‌کنند. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أُنْعِمَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَوُّسَ» (این شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۶)؛ خداوند دوست دارد آثار نعمت خود را در زندگی بنده‌اش ببیند و از زندگی فقیرانه بیزار است. از امام صادق ﷺ روایتی با توضیحات بیشتر در این زمینه نقل شده است که حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَوُّسَ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أُنْعِمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنْظَفُ ثَوْبُهُ وَ يُطَبَّبُ رِيحُهُ وَ يُجَصَّصُ دَارُهُ وَ يَكْنَسُ أَفْنِيتُهُ حَتَّى إِنَّ السَّرَّاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفَعِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (طبرسی، ۴۱۲ق، ص ۴۱)؛ خداوند زیبایی و آرایش را دوست دارد و از فقر و تظاهر به فقر بیزار است. هرگاه به بنده‌ای نعمتی بدهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: چگونه؟ فرمودند: لباس تمیز بپوشد، خود را خوشبو کند، خانه‌اش را گچ‌کاری کند، جلوی در حیاط خود را جارو کند، حتی روشن کردن چراغ قبل از غروب خورشید فقر را می‌برد و روزی را زیاد می‌کند.

با توجه به اینکه نیازهای رفاهی و توسعه‌ای تا مرز اسراف مورد پذیرش اسلام است و شهید صدر آن را از باب درجه‌بندی درونی توازن اجتماعی بلاشکال دانسته است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۸۶)، می‌تواند مورد توجه نظام تأمین اجتماعی اسلام واقع شود؛ گرچه از نظر اولویت، بعد از نیازهای ضروری و کفافی قرار می‌گیرد که تفاوت آن در سازوکارها و لایه‌های تأمین اجتماعی آشکار می‌شود. با روشن شدن این موضوع که تأمین اجتماعی در اسلام نیازهای واقعی را هدف گرفته

نه هر نوع خواسته‌ای را و نیازهای واقعی نیز در سه سطح ضروری، کفافی و رفاهی دسته‌بندی می‌شود، اکنون باید بررسی کرد که برای رفع نیازهای واقعی در سطوح مختلف چه سازوکارهایی در نظر گرفته شده است؟

سازوکارهای تأمین اجتماعی در اسلام

تأمین اجتماعی در اسلام به‌منظور پوشش دادن سطوح مختلف نیازهای زندگی افراد و خانوارها، سازوکارهایی را در نظر گرفته است که در سه دسته قابل تنظیم است: تدارک خصوصی، تکافل عمومی و تضامن دولتی. بعضی از این سازوکارها، یک سطح از نیازها، بعضی دو سطح و بعضی همه سطوح را پوشش می‌دهد. یادآوری یک نکته ضروری است و آن اینکه تدارک خصوصی از دو جهت به تأمین اجتماعی مربوط می‌شود: یکی از جهت مسئولیت نخستین دولت که باید تأمین اجتماعی را از طریق تدارک خصوصی با فراهم کردن زمینه‌های کسب و کار دنبال کند و دیگر از جهت بیمه‌ها که افراد با پرداخت حق بیمه، خود را بیمه می‌کنند و از این طریق مخاطرات احتمالی زندگی را پوشش می‌دهند. علاوه بر اینها، در نظام تأمین اجتماعی چندلایه، تدارک خصوصی یا خصوصی‌سازی بخشی از تأمین اجتماعی، جایگاه روشن‌تری دارد.

۱. تدارک خصوصی

منظور از «تدارک خصوصی» فراهم کردن نیازهای زندگی هر فرد و خانواده‌اش از طریق فعالیت‌های شخصی او در چارچوب بازار اسلامی است. در اسلام، اصل این است که هر فرد از طریق کار و فعالیت مفید اقتصادی، نیازهای زندگی خود و افراد تحت تکفلش را تأمین کند (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۹). قرآن کریم، از مردم خواسته که بعد از انجام فریضه نماز، در زمین پخش شوند و در جست‌وجوی روزی باشند: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰). در روایات نیز تلاش برای تأمین معیشت، مثل جهاد در راه خدا دانسته شده است. امام صادق (ع) فرمودند: «لَكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸). طبق حدیثی از امام رضا (ع) مرتبه تدارک‌کننده خصوصی، از مجاهد در راه خدا هم بالاتر است: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸)؛ کسی که برای تأمین نیاز کفافی خانواده‌اش تلاش می‌کند، پاداشش بزرگ‌تر از پاداش مجاهد در راه خداست. این تأکیدها و تشویق‌ها برای آن است که نیازهای افراد و خانوارها تا آنجا که امکان دارد از طریق فعالیت‌های خصوصی برطرف شود. این موضوع ضمن اینکه از حجیم شدن دولت جلوگیری می‌کند، تبلی، سربار جامعه بودن و مخاطرات اخلاقی در تأمین اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد.

دست‌آورد تلاش فرد در بازار از یک‌سو به کمیت و کیفیت کار او و از سوی دیگر، به چارچوب نهادی و ساختار بازار بستگی دارد که خارج از اراده فرد است. وجود فضای رقابت عادلانه، شرط اساسی تأمین نیازهای معیشتی افراد از طریق سازوکار بازار خواهد بود. اسلام تلاش کرده با ترسیم خطوط شرایط عادلانه و تنظیم روابط حقوقی و اخلاقی حاکم بر بازار، زمینه را برای تدارک خصوصی فراهم آورد تا فرد بتواند در چارچوب نظام اقتصادی عادلانه و بازار اسلامی، معیشت خود را در هر سه سطح ضروری، کفافی و رفاهی تأمین کند. توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع طبیعی

که شهید صدر از آن تعبیر به «توزیع قبل از تولید» کرده (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۸۱)، توزیع عادلانه درآمد میان عوامل تولید که شهید صدر از آن تعبیر به توزیع بعد از تولید کرده (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۸۱)، تسهیل کسب و کار از طریق ایجاد فضای سالم در چارچوب بازار اسلامی و تأکید بر پالایش اخلاقی بازاریان و نظارت مؤثر حکومت بر عملکرد بازار (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۴-۳۰۵)، از راهکارهای اساسی اسلام برای عادلانه کردن فضای رقابت در بازار است. به همین دلیل، اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف به «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» کرده است. بنابراین نقش اصلی در تدارک خصوصی را نهاد بازار بر عهده دارد و دولت، نقش زمینه‌سازی را برای فعالیت‌های سالم بازاری ایفا می‌کند.

هدف اسلام از تأکید بر کار و تلاش و سالم‌سازی فضای کسب و کار، افزایش توان فرد برای تدارک خصوصی است تا نیاز به حمایت‌های اجتماعی و دولتی به کمترین حد خود برسد. با همه اینها، به این سازوکار بسنده نکرده و سازوکارهای تکمیلی و جبرانی را برای گروه‌هایی که به هر دلیلی قادر به تدارک خصوصی نیستند و نیازهایی از سنخ ضروری و کفافی دارند، در نظر گرفته است. یکی از این سازوکارها که نقش مکمل را برای تدارک خصوصی دارد، تکافل عمومی است.

۲. تکافل عمومی

تکافل عمومی اصطلاحی است در اقتصاد اسلامی که سازوکار مردمی تأمین اجتماعی در اسلام را بیان می‌کند. شهید صدر از تکافل عمومی به عنوان یکی از پایه‌های تأمین اجتماعی یاد کرده که طبق آن، اسلام کفالت بعضی از مسلمانان را بر بعضی دیگر واجب کفایی قرار داده است که باید در حد توانایی خود همانند سایر واجبات به آن ملتزم باشند (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۴). تکافل عمومی که شهید صدر از آن به عنوان واجب یاد کرده، محدود به نیازهای ضروری است و شامل نیازهای کفافی و رفاهی نمی‌شود (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۴)؛ اما تکافل عمومی به صورت غیرالزامی و داوطلبانه، می‌تواند تا حد پوشش نیازهای کفافی و رفاهی گسترش یابد (ابوزهره، ۱۹۹۱م، ص ۷). بسیاری از عناوینی که در منابع قرآنی و روایی و فقهی آمده، مانند «اتفاق»، «صدقه»، «وقف»، «حق معلوم»، «حق حصاد»، «اعطاء المال»، «ایتاء المال»، «اطعام»، «تعاون علی البر»، «قرض الحسنه»، «ایثار»، «بر»، «احسان»، «معروف»، «صله رحم»، «وصیت»، «نذر» و «قربانی»، می‌توانند مصادیقی از تکافل عمومی باشند (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۹۳)؛ گرچه مسئولیت تکافل، منحصر در آنها نیست.

از آیات شریفه «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج: ۲۴ و ۲۵) و «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات: ۱۹)؛ گرچه به اعتقاد مشهور فقیهان، نمی‌توان وجوب شرعی تکافل عمومی حتی در حد پوشش دادن نیازهای ضروری را استنباط کرد؛ زیرا «حق معلوم» یا به زکات واجب تفسیر شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۳۵)، که از موضوع بحث خارج است و یا به پرداخت مالی داوطلبانه تفسیر شده، که از نظر رتبه‌بندی احکام شرعی ایجابی، در رتبه مستحبات می‌گیرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۲۸)، ولی می‌توان آن را واجب ایمانی و اخلاقی

دانست؛ چنان که در روایت منقول از امام صادق علیه السلام، حق معلوم در آیه شریفه به چیزی که شخص از مالش بر خودش واجب می کند تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۹). تعبیر «سائل» و «محروم» با تفاوتی که در اظهار و عدم اظهار نیاز دارند، در مورد کسانی به کار می رود که در تأمین نیازهای ضروری دچار مشکل باشند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۳۷۰). شهید صدر، با نقل دو روایت از امام صادق علیه السلام، واجب بودن رفع نیازهای ضروری نیازمندان توسط کسانی که توانایی مالی دارند را استنباط کرده است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۵). در هر صورت، تکافل عمومی چه واجب شرعی باشد و چه نباشد، یک واجب ایمانی و اخلاقی است که با هویت جامعه اسلامی پیوند ناگسستنی خورده است و جامعه ای که تکافل عمومی در آن نهادینه نشده باشد اسلامی نیست (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۹۴).

گرچه در اسلام تدارک خصوصی به لحاظ دایره شمولیت فراگیرتر از تکافل عمومی است، ولی مورد اخیر هم مزایای خاص خود را دارد که آن را مطلوب تر از تضامن دولتی می سازد. دواطلبانه بودن، انتقال از دارا به نادار، مستقیم بودن کمک ها، کم هزینه بودن از نظر اصابت کمک ها به هدف، مستحکم کردن پیوندهای اجتماعی، عدم نیاز به حضور و دخالت دولت و نبود مشکلات دیوان سالاری از مهم ترین مزیت های تکافل عمومی است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳، ص ۹۴-۹۵).

با وجودی که تکافل عمومی به عنوان سازوکار مردمی تأمین اجتماعی، مورد تأکید است، ولی اسلام به آن بسنده نکرده و سازوکارهای جایگزین و مکمل را نیز در نظر گرفته است که در صورت لزوم، از مختل شدن برنامه های تأمین اجتماعی جلوگیری کند. دلیل آن این است که اولاً تکافل عمومی در حد تأمین نیازهای ضروری نیازمندان، الزامی است و بیشتر از آن، ضمانت اجرایی شرعی، ایمانی و اخلاقی ندارد و ثانیاً کارکرد تکافل عمومی بستگی به میزان پایبندی جامعه به مبانی، اصول و ارزش های اسلامی دارد. کاسته شدن از التزام به اصول و ارزش ها، تأثیر منفی بر کارکرد تکافل عمومی می گذارد؛ به گونه ای که از نیازهای جامعه فاصله می گیرد. سازوکار جایگزین و مکمل، تضامن دولتی است.

۳. تضامن دولتی

تضامن دولتی یا «ضمان اعاله» اصطلاحی است در اقتصاد اسلامی که مسئولیت مستقیم دولت در تأمین اجتماعی را بیان می کند. واژه «تضامن» از ریشه «ضمن» به معنای نوعی ضمانت کردن، گویای آن است که دولت ضامن معیشت مردم است. تا آنجا که امکان داشته باشد با پی ریزی نظام اقتصادی کارا و عادلانه و نظام اجتماعی سالم، به تأمین آن از طریق تدارک خصوصی و تکافل عمومی می پردازد و کاستی ها را با دخالت مستقیم جبران می کند (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۹۶). به همین دلیل، سازوکار تضامن دولتی فراتر از محدوده پوشش سازوکار تکافل عمومی را پوشش می دهد؛ زیرا مسئولیت دولت محدود به تأمین نیازهای ضروری نیست، بلکه نیازهای غیر ضروری را در سطح حد کفاف یک جامعه اسلامی نیز شامل می شود. دلیلش آن است که مسئولیت دولت از نوع مسئولیت سرپرست است که وظیفه دارد سطح زندگی افراد تحت سرپرستی خود را تا سطح عموم جامعه برساند (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۷). مبنای تضامن دولتی، حقی است که همگان در منابع و ثروت های طبیعی دارند. بر این اساس، هر فرد حق دارد که از

منابع طبیعی به مقدار تأمین یک زندگی متعارف برخوردار شود و دولت باید زمینه این بهره‌برداری را برای او فراهم کند. اگر فردی به هر دلیلی توانایی بهره‌برداری شخصی را نداشت، دولت باید با استفاده از منابع طبیعی، زندگی متعارف را برای او تأمین کند. سازوکاری که اسلام برای تأمین منابع مالی این مسئولیت در نظر گرفته، دارایی‌های عمومی و دولتی است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۹-۷۸۰).

آیات و روایات متعددی بر مسئولیت مستقیم دولت در تأمین اجتماعی دلالت دارند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳، ص ۹۷)، که مستند فتاوی‌ای فقهی و نظریه‌های علمی در این زمینه محسوب می‌شوند. بررسی آنها از مجال این نوشته خارج است و تنها به چند نمونه اکتفا می‌شود. مسئولیت دولت اسلامی در گرفتن وجوه شرعی از جمله خمس و زکات و رساندن آنها به دست نیازمندان، بیانگر مسئولیت مستقیم دولت در تأمین اجتماعی است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «به من دستور داده شده است که از ثروتمندان شما زکات بگیرم و به فقراي شما برگردانم» (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۸۱). در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده که اگر منبع مالی زکات برای تأمین زندگی فقرا کفایت نکرد، دولت موظف است کسری آن را از سایر منابع عمومی جبران کند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۳۰). همچنین روایاتی وارد شده که بر اساس آنها دولت مکلف به پرداخت دیون بدهکاران فوت شده است، مشروط بر آنکه در راه اسراف و معصیت بدهکار نشده باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷). در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از تأمین اجتماعی حقی همگانی دانسته شده و دولت مکلف گردیده است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور فراهم کند.

در مجموع، تضامن دولتی، بیانگر مسئولیت مستقیم دولت اسلامی در تأمین اجتماعی است که طبق آن، دولت وظیفه دارد زندگی افراد نیازمند جامعه را تا حد کفاف پوشش دهد. مسئولیت غیرمستقیم دولت از طریق تدارک خصوصی و تکافل عمومی اعمال می‌شود. در تدارک خصوصی، دولت زمینه فعالیت بخش خصوصی در صنعت و بازار را فراهم می‌کند تا افراد بتوانند با تلاش‌های شخصی نیازهای خود و افراد تحت تکفل‌شان را تأمین کنند (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۸۰). و در تکافل عمومی، دولت مسئولیت دارد مردم را تشویق و حتی وادار به انجام وظیفه شرعی‌شان در قبال نیازمندان کند. تعبیر شهید صدر این است که این مورد با سایر واجبات شرعی تفاوتی ندارد و دولت اسلامی به عنوان مسئول اجرای احکام و قوانین شرع در جامعه، می‌تواند آن را بر مردم الزام کند (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۴).

تا اینجا مبانی، اهداف و سازوکارهای تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی بررسی شد. جمع‌بندی مباحث صورت گرفته این است که هدف تأمین اجتماعی در اسلام، برخورداری همه افراد جامعه از سطح معیشت کریمانه است و این از سه طریق تدارک خصوصی، تکافل عمومی و تضامن دولتی امکان‌پذیر است. اکنون باید دید چه ساختاری از تأمین اجتماعی می‌تواند هدف مورد نظر را از طریق سازوکارهای یادشده، در جوامع امروزی محقق کند؟

لایه‌های تأمین اجتماعی در اسلام

ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، فراگیر نبودن بیمه‌ها و پر هزینه بودن نظام توازن - هزینه (PAYG)، ضرورت ایجاد تحول در ساختار تأمین اجتماعی را آشکار ساخت. دگردیسی‌ها به سمت ساختارهای چندلایه هدایت شد، که بانک جهانی در آن پیشگام بود (اوایل دهه ۱۹۹۰م) و بعد از آن، سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه اروپا نیز مدل‌های خاص خود را پیگیری کردند. بانک جهانی، نخست ساختار سه‌لایه شامل حمایتی، بیمه‌ای و تکمیلی را ارائه داد (۱۹۹۴م) و در تعدیل‌های بعدی (۲۰۰۲ و ۲۰۰۵م)، آن را به چهار و پنج لایه تغییر داد که لایه حمایتی ضروری (لایه صفر) در اول و لایه حمایت خانوادگی (لایه پنجم) در آخر افزوده شد. سازمان بین‌المللی کار ساختار چهارلایه شامل تور حمایتی، بیمه‌ای، خصوصی و مکمل را پیشنهاد کرد و اتحادیه اروپا ساختار سه لایه حمایتی، بیمه‌ای و تکمیلی را به اجرا گذاشت (ر.ک: زارع و دیگران، ۱۳۹۷). در ماده ۲ «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، ساختار سه‌لایه شامل حمایتی، بیمه‌ای و امدادی برای ایران در نظر گرفته شده است. در بندهای ۱، ۲ و ذیل بند ۵ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی نیز بر لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و سطح‌بندی خدمات با رویکرد فعال دولت تأکید شده است.

ساختار تأمین اجتماعی در اسلام نیز ساختار چندلایه است یا دست‌کم با طراحی یک ساختار پنج‌لایه می‌توان اهداف تأمین اجتماعی در اسلام را با استفاده از سازوکارهای سه‌گانه محقق کرد. این لایه‌ها شامل لایه تمهیدی (۱)، لایه تضمینی (۲)، لایه ترمیمی (۳)، لایه تأمینی (۴) و لایه تکمیلی (۵) می‌شوند.

۱. لایه تمهیدی

لایه تمهیدی یا لایه صفر، تمهیداتی است که دولت اسلامی به منظور پیشگیری از فقر و فراهم شدن زمینه‌های تدارک خصوصی انجام می‌دهد. این تمهیدات شامل سیاست‌های کلی اقتصادی؛ مانند سیاست‌های توزیعی، تولیدی، برنامه‌های عمران روستایی، ایجاد شبکه‌های بهداشت و درمان، آموزش، خدمات محیط زیستی، توسعه مسکن، رفاه شهری و... می‌شود. درواقع، بخشی از مسئولیت غیرمستقیم دولت در تأمین اجتماعی، از این طریق اعمال می‌گردد. به صورت کلی، دولت اسلامی وظیفه دارد با اجرای برنامه‌های عمرانی، محرومیت‌ها را به حداقل برساند. تأکید امام علی^ع بر عمران و آبادانی کشور به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های اصلی حکومت (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۷)، دلالت بر همین موضوع دارد. روشن است که در برنامه‌های عمرانی مورد نظر اسلام، اولویت با مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته است، و گرنه با اصل عدم تداول منابع عمومی در میان ثروتمندان (حشر: ۷)، سازگاری ندارد. لذا حضرت علی^ع در مورد دستاوردهای حکومت خود در امر رفاه می‌فرماید: «کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و سرپناه دارند و از آب فرات می‌آشامند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷). تأکید حضرت بر اقشار فرودست و آسیب‌پذیر، نشان می‌دهد که آنان در قانون برنامه‌های عمرانی قرار داشته‌اند.

آنچه که ذیل بند ۵ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی آمده مبنی بر «اعمال رویکرد مناسب برای زدودن جلوه‌های آشکار فقر و آسیب اجتماعی از محلات کم‌برخوردار شهری و مناطق روستایی و عشایری»، در چارچوب لایه تمهیدی قابل پیگیری و تحقق است. همچنین سیاست‌های «بسط و تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی با هدفمندسازی یارانه‌ها، دسترسی آحاد جامعه به خدمات تأمین اجتماعی، توانمندسازی، کارآفرینی و رفع تبعیض‌های ناروا در بهره‌مندی از منابع عمومی»، «حفظ قدرت خرید اقشار ضعیف جامعه از طریق متناسب‌سازی مزد شاغلین» و «ارائه خدمات لازم به‌منظور تحکیم نهاد خانواده و فرزندآوری»، در همین راستا قرار می‌گیرند.

۲. لایه تضمینی

در لایه تضمینی، خدمات به اقشار ضعیف جامعه که توان تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی خود را ندارند، ارائه می‌شود. در این لایه هم افرادی وجود دارند که به دلایلی چون معلولیت، ازکارافتادگی و سالمندی اصلاً توان کار کردن ندارند و یا به صورت غیرارادی دچار بیکاری و فقدان درآمد شده‌اند. در این لایه، به تناسب امکانات، معیشت افراد ناتوان تا رسیدن به سطح زندگی عموم جامعه، توسط دولت اسلامی تضمین می‌شود. دولت به‌عنوان متولی و مسئول اصلی این کار، نخست باید تلاش کند با استفاده از سازوکار تکافل عمومی و مشارکت دادن مردم و نهادهای خیریه، این‌گونه نیازها را برطرف کند؛ سپس نیازهای زمین‌مانده اعم از ضروری و کفافی را در چارچوب سازوکار تضامن دولتی پوشش دهد. سیاست‌های «تضمین سطح پایه خدمات از محل منابع دولتی، عمومی و مردمی» و «استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری و ایجاد پیوند میان ظرفیت‌های مردمی و دستگاه‌های موظف»، که ذیل بند ۵ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی آمده، در همین لایه دنبال می‌شود.

در مرحله اجرا، دولت باید با ایجاد سامانه یکپارچه اطلاعات که در بند ۲ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی به آن اشاره شده، از تعداد دقیق افراد نیازمند، سطح نیاز آنان و میزان مشارکت مردم و نهادهای خیریه مطمئن شود، تا بتواند برای پوشش نیازهای زمین‌مانده برنامه‌ریزی درست، به‌ویژه در قسمت تأمین منابع مالی آنها داشته باشد. از تأکید امیرالمؤمنین^ع بر توجه داشتن حکومت به طبقه فرودست، بی‌نویان و زمین‌گیرشده‌ها، استنباط می‌شود که دولت اسلامی مسئولیت دارد نهایت تلاش خود را در شناسایی و رسیدگی به تک‌تک آنان به‌خرج دهد و کوچک‌ترین کوتاهی در این زمینه پذیرفته نیست (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۸-۴۳۹). پوشش نیازهای این طیف از نیازمندان می‌تواند به‌صورت پرداخت نقدی، اعتبار خرید، بسته‌های معیشتی و مانند آن باشد. دستور امام علی^ع طبق متن کتاب تحف العقول (محمدری شهری و حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۹) درباره این گروه چنین است: «و تَعَهَّدَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ الزَّمَانَةِ وَ الرَّقَّةُ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَ لَا يَنْصِبُ لِلْمَسَاةِ نَفْسَهُ، فَأَجْرُ لَهُمْ أَرْزَاقًا...». از عبارت «فَأَجْرُ لَهُمْ أَرْزَاقًا» به‌دست می‌آید که این گروه‌ها باید دریافتی مستمری و جاری از بیت‌المال داشته باشند.

در قسمت تأمین منابع مالی این لایه، علاوه بر کمک‌های مردمی و نهادهای خیریه که دولت باید از میزان قطعی آنها مطمئن شود، منابع و اموال عمومی و دولتی و مالیات‌های رایج، دولت می‌تواند از منبع مالی مهمی به نام «مالیات بر مجموع درآمد» استفاده کند. بر اساس آن، دولت یک محدوده‌ای از درآمد را مشخص کند که معاف از مالیات بر مجموع درآمد باشد. از درآمدهای بالاتر از آن محدوده، مالیات بگیرد و به‌صورت یارانه به صاحبان درآمدهای پایین‌تر از آن محدوده پرداخت کند. در توجیه شرعی این نوع مالیات، علاوه بر خمس که نمونه بارز مالیات بر مجموع درآمد در اسلام و اختیارات حکومت اسلامی و ولی فقیه است، دو توجیه مبنایی و کارکردی نیز وجود دارد؛ توجیه مبنایی آن است که تمامی منابع و ثروت‌های طبیعی، متعلق به بخش عمومی‌اند و افراد بر اساس کار مستقیم خود، نسبت به آنها فقط حق انتفاع پیدا می‌کنند و دولت اسلامی می‌تواند از آنان اجرت و مالیات انتفاع بگیرد (صدر، ۱۴۳۴ق، ص ۵۱۴). توجیه کارکردی هم آن است که دولت اسلامی بستر فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کرده و می‌تواند بابت آن اجرتی تحت نام مالیات بر مجموع درآمد بگیرد (رجایی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۹۲).

۳. لایه ترمیمی

در لایه ترمیمی به کسانی خدمت ارائه می‌شود که درآمدی در حد تأمین نیازهای ضروری زندگی دارند؛ ولی با حد کفاف و سطح عمومی زندگی جامعه فاصله دارند. اینان افرادی هستند که بخشی از هزینه زندگی‌شان از طریق تدارک خصوصی تأمین می‌شود و در بخشی دیگر از هزینه‌ها، نیاز به ترمیم درآمد دارند تا سطح معیشت‌شان به سطح عموم جامعه (یا حد کفاف) برسد.

مسئول نهایی تأمین معیشت کفافی این‌گونه افراد نیز دولت اسلامی است. دولت ابتدا تلاش نماید با استفاده از سازوکارهای تدارک خصوصی یا تکافل عمومی از تعداد این‌گونه افراد بکاهد و بار مالی خود را سبک‌تر کند. در مرحله بعد، متناسب با سطح امکانات و درآمدهای خود، نیازمندان باقی‌مانده را تحت پوشش بگیرد و با بهره‌گیری از منابع عمومی، دولتی، مالیات‌ها و وجوه شرعی مانند خمس و زکات، درآمد آنان را در حد یک زندگی متعارف ترمیم کند. این کار را می‌تواند از طریق پرداخت نقدی تحت عنوان یارانه، کمک‌معیشت یا هر عنوان دیگر، بسته‌های معیشتی و بیمه‌های پایه که حق بیمه را دولت پرداخت کند، انجام دهد. میزان موفقیت دولت در انجام این وظیفه نیز بستگی به میزان استفاده از الگوریتم‌های اطلاعاتی و داشتن معلومات دقیق درباره تعداد نیازمندان، سطح زندگی آنان و میزان مشارکت مردمی و نهادهای خیریه دارد. لایه ترمیمی تأمین اجتماعی نیز از پشتوانه محکم دینی برخوردار است. آیه معروف به «فیء» (حشر: ۷) به‌ویژه قسمت آخر، آنکه علت توزیع بخشی از منابع عمومی میان نیازمندان را جلوگیری از دست‌به‌دست شدن این منابع در میان ثروتمندان دانسته «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، نشان می‌دهد که همه باید از سطح متعارف معیشت برخوردار شوند تا توازن سطح زندگی در جامعه برقرار شود. از روایات به‌خصوص روایات مربوط به توزیع زکات نیز استفاده می‌شود که زندگی فقرا باید تا رسیدن به سطح عموم جامعه ترمیم شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق،

ج ۳، ص ۵۴۸). مضمون یکی از روایات این است که اگر زکات، فقرا را به حد بی‌نیازی نرساند، دولت باید از منابع مالی دیگر خود آنان را بی‌نیاز گرداند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰). فقها نیز به پرداخت زکات تا حد بی‌نیازی در مخارج یک‌سال فتوا داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۷۶).

۴. لایه تأمینی

لایه تأمینی برای اقشار متوسط به بالای جامعه است که نیازهای زندگی‌شان از طریق تدارک خصوصی تأمین می‌شود و دولت نقش مستقیم در تأمین آنها ندارد. این گروه از افراد ضمن اینکه نیازهای جاری زندگی را با استفاده از درآمدهای شخصی پوشش می‌دهند، برای در امان ماندن از مخاطرات احتمالی ناشی از حوادث، بیماری، بیکاری، نوسانات بازار، تصمیمات سیاسی و تأمین زندگی دوران سالخوردگی، خود را بیمه می‌کنند تا در زمان بیماری، بیکاری، وقوع حوادث، پیامدهای منفی نوسانات بازار و سیاست‌های دولت و دوران سالمندی از مزایای آن استفاده کنند. حق بیمه از منابع خصوصی پرداخت می‌شود و دولت هیچ‌گونه حمایت مالی در این زمینه ندارد، مگر به‌عنوان حمایت‌های قانونی و نظارتی. این لایه توسط بخش خصوصی اداره می‌شود و مسئولیت دولت قاعده‌گذاری، سامان‌دهی و اجباری کردن بعضی از بیمه‌ها برای این‌گونه افراد است تا از پدید آمدن مشکلات اجتماعی جلوگیری کند.

در فقه شیعه استفاده از عقد بیمه به منظور ایجاد تضمین و اطمینان نسبت به مخاطرات زندگی مورد تأیید قرار گرفته و اکثریت قریب به اتفاق فقیهان مشروعیت آن را به‌عنوان مصداقی از عقود معهود شرعی و با یک عقد مستقل جدید، پذیرفته‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۵۲). از حدیث پیامبر اکرم ﷺ که در آن، اطمینان از تأمین مخارج آینده مایه آرامش روحی و روانی انسان دانسته شده، دست‌کم به‌عنوان مؤید می‌توان استفاده کرد: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقَرَّتْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۹)؛ روان آدمی زمانی آرام و قرار دارد که آذوقه‌اش را احراز کرده باشد. همچنین از امام رضا ﷺ شنیده شده که می‌فرمود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا ادْخَلَ طَعَامَ سَنَّتِهِ خَفَّ ظَهْرُهُ وَ اسْتَرَاحَ وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَا يَشْتَرِيَانِ عَقْدَةً حَتَّى يُحْزِرَا طَعَامَ سَنَّتَيْهِمَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۹)؛ انسان وقتی خوراک یک‌سال خود را داشته باشد، احساس سبک‌دوشی و راحتی می‌کند. امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ تا زمانی که از داشتن آذوقه یک‌سال مطمئن نمی‌شدند، اقدام به خرید ملک نمی‌کردند. از این دو روایت که در یکی از آنها به سیره دو معصوم ﷺ نیز اشاره شده، یک نوع تأیید و تشویق نسبت به تدارک برای تأمین مخارج آینده استفاده می‌شود.

۵. لایه تکمیلی

لایه تکمیلی، شامل تدابیر اختیاری برای تأمین بهتر و کامل‌تر آینده؛ مانند برخورداری از درآمد مکمل بازنشستگی، دریافت خدمات درمانی باکیفیت‌تر و مکمل، پوشش مخاطرات سرمایه‌گذاری و مدیریت خصوصی بر دارایی‌ها، حمایت‌های درون خانوادگی و بین‌نسلی و جبران محدودیت‌های موجود در سایر لایه‌ها می‌شود. این لایه، توسط بخش خصوصی و با نظارت و حمایت معنوی دولت اداره می‌گردد و از انعطاف‌پذیری بالا برای سازگاری با شرایط

مختلف برخوردار است. بیمه‌های تکمیلی، از سازوکارهای اجرایی این لایه محسوب می‌شود. حق بیمه را فرد متقاضی از درآمدها و دارایی‌های شخصی بدون مشارکت کارفرما یا دولت، مگر در موارد خاص و استثنایی، می‌پردازد. در بند ۲ تبصره ماده دوم «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» در ایران آمده که «بیمه‌های تکمیلی به آن دسته از خدمات بیمه‌ای گفته می‌شود که علاوه بر سطح خدمات بیمه‌های همگانی، با انعقاد قراردادهای انفرادی یا گروهی فی مابین بیمه‌شده و بیمه‌گر و پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌شده انجام می‌پذیرد و دولت در قبال آن تعهد مالی نداشته، اما مکلف به پشتیبانی حقوقی و قانونی لازم از این گونه بیمه‌ها می‌باشد». سیاست مربوط به «امور بیمه‌های مازاد و تکمیلی از محل مشارکت بیمه‌شدگان و کارفرمایان با مشوق‌های مالیاتی و پشتیبانی حقوقی دولت در فضای رقابتی» که ذیل بند ۵ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی آمده، در این لایه دنبال می‌شود.

جدول ۱: لایه‌ها و ویژگی‌های آنها در ساختار تأمین اجتماعی مطلوب

لایه	مشمولان	متولی	منابع مالی
تمهیدی	عموم مردم با اولویت مناطق محروم	دولت	منابع عمومی و دولتی و مالیات‌ها
تضمینی	فقرا و مستمندان و به‌صورت کلی، کسانی که در نیازهای اولیه و ضروری زندگی دچار مشکل هستند	دولت با مشارکت مردم و نهادهای خیریه	انفاقات، صدقات، وجوه شرعی، کمک‌های مردمی و مؤسسات خیریه، مالیات‌ها و مالیات بر مجموع درآمد
ترمیمی	کسانی که درآمد کمتر از حد کفاف دارند	دولت با مشارکت مردم و نهادهای خیریه	منابع عمومی و دولتی، مالیات‌ها و کمک‌های مردمی و نهادهای خیریه
تأمینی	اقشار متوسط به بالای جامعه	بخش خصوصی (بیمه‌های و صندوق‌های بازنشستگی خصوصی)	حق بیمه اجباری که از محل منابع خصوصی پرداخت می‌شود
تکمیلی	متقاضیان	بخش خصوصی	حق بیمه

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

تأمین اجتماعی از اهمیت بالایی در اقتصاد اسلامی برخوردار است، به‌گونه‌ای که معیار عملکرد صحیح نظام اقتصادی به‌شمار می‌رود و اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام، به‌ویژه فقرزدایی، توازن و عدالت اجتماعی از طریق آن پیگیری می‌شود. ساختارهای موجود تأمین اجتماعی، ضمن اینکه دچار بحران‌های متعدد هستند با ساختار مورد نظر اسلام نیز فاصله دارند. این موضوع، ضرورت بازنگری در ساختار تأمین اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای اسلامی را آشکار می‌سازد، تا هم مشکلات موجود کاهش یابد و هم مسیر حرکت به سمت وضعیت مطلوب هموارتر گردد. با توجه به مبانی و اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام، ساختار مطلوب تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی، ساختاری است که بر اساس نیازهای واقعی انسان‌ها همراه با سازوکارهای مناسب برای تأمین آنها طراحی شده؛ سازوکارهایی که در آنها جایگاه فرد، جامعه و دولت به‌روشنی مشخص گردیده است.

به منظور تأمین نیازهای واقعی زندگی که در سه سطح ضروری، کفافی و رفاهی دسته‌بندی شده، سه سازوکار تدارک خصوصی، تکافل عمومی و تضامن دولتی در نظر گرفته شده است. در تدارک خصوصی به‌عنوان مطلوب‌ترین سازوکار تأمین اجتماعی، ابتدا نیازهای زندگی فرد و افراد تحت تکفلش در هر سه سطح، از طریق فعالیت‌های

خصوصی او در چارچوب نظام اقتصادی عادلانه و بازار سالم و شفاف صورت می‌گیرد. در تکافل عمومی، عموم افرادی که توانایی مالی دارند، نیازهای اولیه و ضروری نیازمندی که از طریق تدارک خصوصی تأمین نشده‌اند را به‌عنوان واجب ایمانی و اخلاقی برآورده می‌سازند. نقش دولت در سازوکارهای تدارک خصوصی و تکافل عمومی به ترتیب، زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی است. در تضامن دولتی به‌عنوان آخرین گزینه، دولت به‌طور مستقیم اقدام به تأمین نیازهای ضروری و کفافی کسانی می‌کند که از طریق دو سازوکار تدارک خصوصی و تکافل عمومی تأمین نشده‌اند. با توجه به سطوح نیازهای واقعی زندگی و سازوکارهای تأمین آنها، پیشنهاد می‌شود خدمات تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی، در قالب پنج لایه ارائه شود که می‌توان آنها را تمهیدی، تضمینی، ترمیمی، تأمینی و تکمیلی نام‌گذاری کرد. در لایه تمهیدی، خدمات زیرساختی با رویکرد محرومیت‌زدایی توسط دولت ارائه می‌شود تا زمینه برای تدارک خصوصی فراهم گردد. در لایه تضمینی، دولت با جلب مشارکت مردم و مؤسسات خیریه، سطح معیشت حد کفافی را برای همه نیازمندان جامعه تضمین می‌کند. در لایه ترمیمی، دولت با استفاده از منابع عمومی، دولتی و مردمی به ترمیم سطح معیشت کسانی می‌پردازد که درآمد کافی ندارند. گرچه در این سه لایه مسئولیت اصلی با دولت است؛ ولی دولت می‌تواند از مشارکت مردم و مؤسسات خیریه نیز استفاده کند.

در دو لایه تأمینی و تکمیلی، دولت نقش تنظیم‌گری را دارد و اجرای آنها توسط بخش خصوصی و با منابع مالی آن صورت می‌گیرد. در لایه تأمینی، طبقات متوسط به بالای جامعه که از سطح زندگی رفاهی برخوردارند، از طریق بیمه‌های پایه خود را در مقابل حوادث و سوانح و بیماری، بیکاری و دوران سالمندی بیمه می‌کنند. این بیمه، به‌خاطر پیشگیری از مشکلات اجتماعی احتمالی، می‌تواند اجباری باشد. در لایه تکمیلی، کسانی از طبقات متوسط به بالای جامعه که متمایل به دریافت خدمات بهتر و با کیفیت‌تری به‌ویژه در حوزه‌های پوشش ریسک، درمان و بازنشستگی هستند، خود را بیمه تکمیلی می‌کنند. این کار اختیاری است و منابع مالی آن توسط بخش خصوصی با نظارت دولت تأمین می‌شود.

ارائه خدمات تأمین اجتماعی در قالب این پنج لایه، سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی در ایران را محقق و تأمین اجتماعی را به ساختار مطلوب آن در اقتصاد اسلامی نزدیک می‌سازد.

منابع

- ابن شعبه خراسی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابوزهره، محمد (۱۹۹۱م). *التکافل الاجتماعي فی الاسلام*. قاهره: دارالفکر العربی.
- انصاری، محمدجعفر و دیگران (۱۳۷۸). *درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*. قم و تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵). *نگرشی بر مدیریت در اسلام*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- ____ (۱۳۸۳). *قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی*.
- چپرا، محمدمعمر (۱۳۸۴). *اسلام و چالش اقتصادی*. ترجمه حسین میرمعزی و دیگران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۳). *سازوکارهای تأمین اجتماعی در رهیافت اسلامی*. معرفت/اقتصادی، ۵(۱۰)، ۸۱-۱۰۶.
- ____ (۱۳۹۴). *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی، سیدرضا و کاظمی نجفآبادی، مصطفی (۱۳۹۷). *مبانی تکافل اجتماعی در اسلام*. معرفت، ۲۷(۲۴۵)، ۲۳-۳۵.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۰). *الحیة*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خادمی، نورالدین بن مختار (۱۴۲۱ق). *علم المقاصد الشریعه*، ریاض: مکتبة العیبهکان.
- رجائی، سیدمحمدکاظم و دیگران (۱۳۹۸). *الگوی توزیع درآمد و ثروت از دیدگاه قرآن کریم*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۴۰۱). *سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی*.
- زارع، حسین و دیگران (۱۳۹۷). *نظام‌های مستمری چندلایه تأمین اجتماعی، ادبیات و مبانی نظری (مطالعات تطبیقی، ارائه الگو)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق). *اقتصادنا*. قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*. قم: شریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ____ (۱۴۱۱ق). *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- فتحعلی، محمود و دیگران (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی. تهران: مدرسه برهان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *کفایة الأحکام*. قم: جامعه مدرسین.
- محمدری شهری، محمد و حسینی، سیدرضا (۱۳۸۶). *التنمية الاقتصادية فی الکتاب و السنة*. قم: دارالحديث.